

الهیات مسیحی

(درس یازدهم)

مشیت خدا

طی چند جلسه گشته مبحث ماهیت خدا، که شامل مباحث ذات، صفات، وحدانیت و تثلیث اقدس بود رو مورد مطالعه قرار دادیم. طبیعیست که بعد از آن، به مطالعه کارهای خدا بپردازیم اما لازمه قبل از اینکار، موضوع بسیار مهم مشیت الهی رو مطالعه کنیم تا بستر مناسبی برای مبحث اراده و نقشه خدا داشته باشیم.

دلیلش هم اینه که کتابمقدس میفرماید، که خدا همه چیز را بر طبق اراده و نقشه خود، که ما آنرا مشیت الهی میدانیم، انجام میدهد.

پس توجه شما رو به رؤس مطالب امروز جلب میکنم.

اول - تعریف مشیت الهی

دوم - اثبات مشیت الهی

سوم - اساس مشیت الهی

چهارم - هدف مشیت الهی

پنجم - محتوا و ترتیب مشیت الهی است

۱) مشیت الهی در عالم مادی و جسمانی

۲) مشیت الهی در عالم معنوی و روحانی

۳) مشیت خدا در امور اجتماعی و سیاسی

۱- مشیت الهی در خانواده و دولت

۲- مشیت الهی در دعوت و رسالت قوم یهود

۳- مشیت الهی در تاسیس و رسالت کلیسا

۴- مشیت الهی در پیروزی نهایی خدا

بخش اول - تعریف مشیت خدا

عالمان مسیحی از کتاب مقدس به این نتیجه رسیدند که مشیت خدا عبارت است از:

هدف یا هدفهای ابدی خدا که بر اساس اراده مقدس و حکیمانه او قرار دارد و به وسیله آن تمام اموری را که واقع میشود، با اراده آزاد و لایتغیر خود و برای جلال خود، خواه با عمل مستقیم یا با دادن اجازه، مقرر میفرماید.

حالا برای درک آن، توجه شما رو به هفت ویژگی از مشیت الهی با ذکر آیات مربوطه جلب میکنم.

۱- اولین ویژگی اینه که، مشیت الهی شامل **هدف ازلی و ابدی** خداست.

به این معنا که خدا هدفهای ازلی و ابدی خود را بر اساس وقایع تاریخی بشر و نظایر آن طرح ریزی و تغییر نمیدهد، بلکه نقشه هایش از ازل طرح ریزی شده اند و تا ابد پایدار خواهند بود.

مزمور ۱۱:۳۳ اما تصمیم خداوند قطعی است و نقشه‌های او تا ابد پایدار است. (ترجمه تفسیری)

يعقوب ۱۷:۱ نزد او هيچ تبديل و سايه گِردش نيست.

۲- دومين مورد از ويژگيهاي مشيت الهي اينه كه مشيت خدا بر اساس **اراده مقدس و حكيمانه و آزاد** او قرار دارد.

خدا عالم مطلق است و ميداند چه چيزي نيكوست و چون كاملاً مقدس هست نميتواند داراي هدف بدی باشد.

اشعيا ۴۸:۱۱ آنچه من می‌کنم به خاطر نام خودم می‌کنم، من نمی‌گذارم نامم بی‌حرمت شود، و نمی‌گذارم هيچ كس در جلالي كه می‌بايست فقط برای خودم باشد، شريك شود. «(ترجمه مؤده)

۳- ويژگي سوم اينست كه ميشت الهي از **اراده آزاد خدا** سرچشمه ميگيرد.

مزمور ۶:۱۳۵ هرچه كه اراده‌اش باشد، انجام می‌دهد، چه در آسمان و چه بر زمين، چه در دريا و چه در اعماق آن. (ترجمه مؤده)

حكمت، عدالت و قدوسيت خدا تنها صفاتي هستند كه در تعيين اهداف الهي نقش دارند. بهمين دليل خداوند اهداف خود را بدون اجبار و با ميل و اراده آزادش انتخاب مي‌كند.

از اين جهت است كه ما فقط از طريق مكاشفه مخصوص ميتوانيم بفهميم كه هدف هاي خدا چيست.

۴- چهارمين ويژگي از مشيت الهي اينه كه، **خدا قادر مطلق است** و توان انجام هر كاري را دارد.

دانيال ۴:۳۵ او در ميان قدرتهاي آسماني و در بين آدميان خاكي آنچه ميخواهد مي‌كند. هيچكس نميتواند مانع او شود و يا او را مورد بازخواست قرار دهد. (تفسيري)

۵- ويژگي پنجم اين است كه، **جلال خدا هدف نهايي** مشيت الهي است.

شايد بعضي تصور كنند كه هدف اصلي خدا از آفرينش شادي مخلوقات و تكميل مقدسين هست.

اگر چه هر دوي اينها در هدفهاي خدا وجود دارند، ولي هدف اصلي عبارت است از جلال خدا كه كمال مطلق می باشد.

بهمين دليل هست كه خدا در كلامش از ما ميخواهد كه هر چه ميكنيم براي جلال او انجام دهيم. مثلاً در اول قرنتيان ۳۱:۱۰ ميخوانيم:

اول قرنتيان ۳۱:۱۰ هرچه می‌كنيد، خواه خوردن، خواه نوشيدن و يا هر كار ديگري كه می‌كنيد، همه را براي جلال خدا انجام دهيد. (ترجمه مؤده)

داود نبي در رابطه با جلال خدا ميگويد:

مزمور ۱:۸ ای خداوند، ای خداوند ما، شكوه نام تو سراسر زمين را فرا گرفته است و عظمت تو از آسمانها نيز فراتر رفته است.

خدا بخاطر عظمت و جلالش بايد ستوده شود و كلام خدا ميفرمايد كه در نهايت، اين هدف به انجام خواهد رسيد.

فيلپيان ۲:۱۰-۱۱ تا اينكه همه موجودات در آسمان و روي زمين و زير زمين، با شنيدن نام عيسي به زانو در آيند. و همه براي جلال خدای پدر، با زبان خود اعتراف كنند كه عيسي مسيح، خداوند است.

۶- نکته ششم اينست كه، **مشيت الهي به دو روش انجام ميشه.**

روش اول مستقيماً توسط خدا اجرا ميشود و در روش دوم خدا اجازه انجام آنرا ميدهد. بعبارتی خدا بطور غير مستقيم در آن دخالت دارد.

مثلاً در رابطه با روش اول رومیان ۲۸:۸ میفرماید:

رومیان ۲۸:۸ و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند.

بعبارتی خدا بطور غیرمستقیم از همه چیز استفاده میکند تا در نهایت اراده یا مشیت او انجام شود.

در رابطه با روش دوم یا روش غیر مستقیم، یعنی آنهاییکه با اجازه خدا صورت می‌گیرند، باید در نظر داشته باشیم که خدا در تمام آنها برای جلال خود دخل و تصرف می‌کند. بعنوان مثال در اعمال ۲۳:۲ میفرماید:

اعمال ۲۳:۲ از سوی دیگر، خدا مطابق اراده و نقشه ای که از پیش تعیین فرموده بود، به شما اجازه داد تا بدست اجنبی های بی دین، عیسی را بر صلیب کشیده، بکشید.

۷- و در نهایت آخرین ویژگی اینست که، مشیت الهی شامل تمامی وقایع گذشته، حال و آینده می باشد. در این رابطه اشعیا ۹:۴۶-۱۰ چنین میگوید:

اشعیا ۹:۴۶-۱۰ و به یاد داشته باشید که من بارها شما را از رویدادهای آینده آگاه ساخته‌ام. زیرا تنها من خدا هستم و کسی دیگر مانند من نیست که بتواند به شما بگوید در آینده چه رخ خواهد داد. آنچه بگویم واقع خواهد شد و هر چه اراده کنم به انجام خواهد رسید.

به قول آقای (Oliver Buswell) یکی از علمای الهیات مسیحی میگوید:

خدا، با نیروی بی حد و با حکمت ابدی خود، از ازل، مسیر تمام حوادث را بدون استثنا تا ابد تعیین نموده است.

خوب فکر میکنم با این تفاسیر به یک تعریف جامع از مشیت الهی رسیده باشیم. پس در اینجا میتونیم به مورد دوم یعنی اثبات مشیت الهی بپردازیم.

بخش دوم – اثبات مشیت الهی

منظور از اثبات مشیت الهی، ویژگی تصادفی نبودن وقایع هست. در کتاب مقدس بروشنی میبینیم نه تنها وقایعی که در کائنات اتفاق می افتند باعث تعجب و شگفتی خدا نمی شوند، بلکه نشان دهنده اهداف و نقشه های از پیش تعیین شده خدا هستند.

اشعیا ۲۴:۱۴ و ۲۶ و ۲۷ خداوند قادر متعال قسم خورده، می‌گوید: «آنچه اراده نموده و تقدیر کرده‌ام به یقین واقع خواهد شد. . . دست توانای خود را دراز خواهم کرد و قومها را مجازات خواهم نمود. این است آنچه برای قومها تقدیر کرده‌ام.» بلی خداوند قادر متعال این را تقدیر کرده است. پس چه کسی می‌تواند آن را باطل کند؟ این دست اوست که دراز شده است، بنابراین چه کسی می‌تواند آن را بازگرداند؟

افسیان ۱:۹ و ۱۱ خدا نقشه نهان خود را بر ما آشکار ساخت، نقشه ای که در اثر لطف خود، از زمانهای دور طرح کرده بود؛ او نقشه خود را آشکار ساخت تا ما نیز بدانیم که او به چه منظور مسیح را به جهان فرستاد. . . علاوه بر این ، بخاطر آن فداکاری که مسیح در راه ما کرده است ، ما برای خدا همچون هدیه ای شده ایم که مورد پسند اوست، زیرا نقشه عالی خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او گردیم، و چنانکه ملاحظه می کنیم، او این نقشه را تحقق بخشیده است .

مشیت الهی گاهی به عنوان اراده خدا هم نام برده میشود.

مثلاً در رومیان ۲۸:۸ میگوید که ما بر حسب **اراده خدا** خوانده شده ایم یا افسسیان ۱۱:۱ میفرماید که خدا همه چیز را بر حسب **اراده خود** انجام میدهد.

هر چند ممکن است به نظر برسد که مشیت الهی دارای هدف های متعددی است، اما از نظر کلی فقط **یک هدف اصلی** وجود دارد و آن **جلال خدا** میباشد.

نکته دیگر اینکه **مشیت الهی ازلی است**:

افسسیان ۴:۱ ما را پیش از بنیاد عالم در او، یعنی عیسی مسیح، برگزید.

به قول آقای (W.G.T Shedd) یکی از علمای الهیات مسیحی قرن ۱۹ میگوید که:

مشیت الهی در زمان مشخص، و به ترتیب تعیین شده عملی میگردد، ولی تمام قسمت های این مشیت یک وحدت کامل را تشکیل میدهند، که هدف غایی خدا است.

البته این هدف غایی چیزی جز جلال خدا نیست.

برای درک صحیح تعلیم کلام خدا در مورد مشیت الهی باید به **اساس آن** پی ببریم. پس در اینجا مورد سوم یعنی اساس مشیت الهی رو بررسی میکنیم.

بخش سوم – اساس مشیت خدا

هیچ شده که از خودتون بپرسید: چرا خدا به مشارکت و فعالیتی که در تثلیث اقدس داشت قناعت نکرد و دست به خلقت انسان و فرشته گان زد؟

اینگونه سوالات برای این مطرح میشن، چون ما بی نیازی خدا رو درک نمیکنیم. باید بدانیم که خدا از هر جهت بی نیاز هست.

بنابراین، هیچ عامل خارجی، خدا را وادار به تعیین هدف مشخصی نکرد. یعنی خدا در آزادی کامل مشیت خودش را تعیین کرد.

علاوه بر این، مشیت الهی از روی احساسات و تمایلات شخصی تعیین نشد، بلکه خدا با حکمت و عقل الهی اش آنها را مشخص کرد. اگر چه، خدا گاهی دلیل تصمیم خود را روشن نمیکند، ولی مطمئن هستیم که همیشه برای تصمیماتش دلایل الهی قانع کننده ای وجود دارند.

تثنیه ۲۹:۲۹ اسراری هست که خداوند، خدایمان بر ما کشف نفرموده است، اما او قوانین خود را بر ما و فرزندانمان آشکار نموده است تا آنها را اطاعت کنیم.

و یا در یوحنا ۷:۱۳ وقتی که عیسی مسیح در شام آخر میخواست پای پطرس رو بشوره پطرس ممانعت کرد چون نمیتونست مفهوم این کار مسیح رو درک کنه. اما عیسی مسیح به پطرس او گفت:

یوحنا ۷:۱۳ عیسی جواب داد: “اکنون علت کار مرا درک نمی کنی؛ ولی یک روز خواهی فهمید.”

این آیات به ما اطمینان میدهند که یک روز خواهد رسید که آیات مشکل کتاب مقدس، و اسرار و کارهای خدا را خواهیم فهمید.

بعضی از مسیحیان افراطی، آزادی خدا در تعیین هدف ها را به افراط میکشانند و این نتیجه انحرافی، که هیچ میزان و معیاری در کارهای خدا وجود ندارد را، میگیرند. آنها میگویند خدا بدون هیچ قاعده و ضابطه ای، هر کاری که بخواهد انجام میدهد.

این عقیده صحیح نیست، چون اگر صحیح میبود در آن صورت لازم نمی بود که مسیح طبق معیارهای الهی برای نجات مردم مصلوب شود. در غیر اینصورت، خدا میتوانست بدون کفاره مسیح مردم را از گناه آزاد کند، در حالی که اساساً از نظر عدالت الهی این امر غیر ممکن است.

پس باید در نظر داشته باشیم که مشیت الهی بر اساس اراده کاملاً حکیمانه و مقدس خدا قرار دارد.

خدا که دارای حکمت مطلق است، از ابتدا، پایان همه چیز را میدانست، از اول میدانست که گناه به جهان وارد خواهد شد. او میدانست که ذات گناه چیست و راه نجات از آن چگونه است. با در نظر گرفتن تمام این اطلاعات خدا مبادرت به طرح مشیت الهی پرداخت.

از آنجائیکه خدا کاملاً مقدس هست و در او هیچگونه جانبداری، تبعیض و ظلم وجود ندارد، برنامه و مشیت او بر اساس **حقیقت و درستی** کامل قرار دارد. خدا می تواند گناهکاران را نجات دهد، ولی این امر **مشروط** بر این است که عدالت به طور کامل حفظ شود.

رومیان ۲۵:۳ زیرا خدا مسیح را به عنوان وسیله ای برای آمرزش گناهان، که با ایمان به خون او به دست می آید، در مقابل چشم همه قرار داده و با این کار **عدالت خود** را ثابت نمود زیرا در گذشته به سبب بردباری خود، گناهان آدمیان را نادیده گرفت.

علاوه بر عدالت خدا، شروط دیگر در تعیین برنامه و مشیت الهی، محبت و قدوسیت اوست.

مزمور ۹:۸۵-۱۰ به یقین، خداوند کسانی را که او را احترام می کنند می رهاند؛ او شکوه و عظمت از دست رفته سرزمین ما را به ما باز خواهد گرداند. **رحمت و راستی** با هم ملاقات کرده اند؛ **عدالت و صلح** یکدیگر را بوسیده اند!

افسیان ۴: ۲۴ بلی ، شما باید شخص جدید و متفاوتی شوید، شخصی مقدس و درستکار؛ و این طبیعت نو را که به صورت خداست، بپوشید. (تفسیری)

پس مشیت الهی، در مورد امور مستقیم و غیرمستقیم تماماً بر اساس حکمت، عدالت، محبت و قدوسیت الهی قرار دارد.

حال که با تعریف و اساس مشیت الهی آشنا شدیم مورد چهارم یعنی هدف مشیت خدا را بررسی میکنیم.

بخش چهارم - هدف مشیت خدا

سوالاتی که معمولاً در این رابطه برای هر کس مطرح میشه از این قبیلند که هدف اصلی خدا در انجام کارهایش چیست؟ یا اینکه آیا وجود کائنات دارای هدف و مقصودی است؟ و اگر هدفی وجود دارد این هدف چیست؟

بدون شک هدف خدا از آفرینش این نبوده که فقط عده ای رو خوشحال کنه. البته خدا در فکر شادی مخلوقات خود هست. پولس رسول وقتی داشت با مردم لستره در مورد نیکویی خدا صحبت میکرد، به زیبایی به این مسئله اشاره میکنه و در اعمال ۱۶:۱۴-۱۷ به مردم لستره میگوید، اگر چه مردم گناهکار، به خدا پشت کردند اما خدا با وجود این، رحمت خودش رو از آنها دریغ نکرد، بلکه با فراهم کردن باران، محصول خوب و غذای کافی، دلشان را شاد میساخت.

از طرف دیگر، هیچ کس با روشهای غلط انسانی نمیتواند به یک زندگی مقدس و خداپسندانه برسد. بعنوان مثال خدا مخالف روش های ریاضت کشیدن ناستیکهاست، پولس در کولسیان ۲۰:۲-۲۳ اشاره میکند ناستیکها به غلط تصور میکنند با ریاضت کشیدن و نخوردن غذا و رعایت یکسری تشریفات مذهبی میتوانند خدا را راضی کنند.

اگر چه در کتاب مقدس تاکیدات زیادی مبنی بر تقدس در زندگی مسیحیان شده، اما هدف اصلی خدا حتی مقدس بودن ما هم نیست. بعنوان مثال کلام خدا از مسیحیان میخواهد که:

لاویان ۱۱:۴۴ مقدس باشید زیرا که من قدوسم.

در افسسیان ۵:۲۵-۲۷ میخوانیم که مسیح جان خود را فدا کرد تا مردم را مقدس سازد. روح القدس نیز به همین منظور به مسیحیان عطا میشود تا آنها تولد تازه بیابند و در تقدس زندگی کنند. (یوحنا ۳:۵ و اول پطرس ۱:۲)

با وجود این، هر چند خدا در فکر تقدیس مخلوقات خود است، ولی باز هم باید گفت که این هدف اصلی خدا نیست بلکه مهمترین هدف مشیت الهی عبارت از **جلال خداست**.

داود نبی می فرماید:

مزمور ۱۹:۱ آسمان جلال خدا را بیان میکند و فلک از عمل دستهایش خبر میدهد.

خدا در اشعیا ۴۸:۱۱ اعلام می کند که قوم یهود را در کوره مصیبت تصفیه خواهد کرد و سپس اضافه میکند: بخاطر ذات خود، این را میکنم زیرا که اسم من چرا باید بیحرمت شود و **جلال خویش** را به دیگری نخواهم داد.

پولس در رومیان ۹:۲۳ میفرماید که خدا داوری را به تاخیر می اندازد تا **دولت جلال** خود را بشناساند.

او در افسسیان ۱:۶ و ۱۴ اضافه میکند که خدا ایمانداران را از قبل برای **ستایش جلال** فیض خود تعیین کرده است.

پس بدین طریق میتونیم نتیجه بگیریم که هدف اصلی مشیت الهی در یک چیز خلاصه میشه و اون **جلال یافتن خداست**. ما هم باید همین اصل یعنی جلال خدا را هدف زندگی مان قرار بدیم.

پنجمین نکته در رابطه با مشیت الهی، محتوا و ترتیب اراده الهی هستند.

بخش پنجم - محتوا و ترتیب مشیت خدا

از کتاب مقدس میفهمیم که خدا هر چه را که به وقوع می پیوندد، از قبل مقرر کرده است. این موضوع را میتوانیم به سه بخش عمده تقسیم کنیم:

بخش اول مشیت خدا در عالم مادی و جسمانی هست.

الف - مشیت خدا در عالم مادی و جسمانی

آنچه از مشیت الهی در کتاب مقدس در رابطه با عالم مادی و جسمانی میدانیم این است که:

مشیت خدا بر این قرار گرفت که کائنات و انسان را خلق کند (پیدایش ۱:۲۶)

خدا اراده فرمود که زمین و فصول سال را برقرار سازد. (پیدایش ۸:۲۲)

خدا حدود ملت ها را تعیین کرد (تثنیه ۳۲:۸)

و زمان های معین آنها و حدود محل سکونت آنان را مقرر کرد (اعمال ۱۷:۲۶).

پولس در آیه بعد یعنی اعمال ۱۷:۲۷ اضافه میکند که هدف خدا از این کار این بود که مردم خدا را طلب کنند:

خدا مدت طول عمر انسان و طرز مرگ او را هم تعیین کرد (مزمور ۳۱:۱۵).

تمام امور و حوادث دیگر عالم مادی و جسمانی هم، توسط خدا تعیین شده و در برنامه او قرار دارند (اشعیا ۱۴:۲۶ و ۲۷).

بخش دوم از محتوای مشیت خدا، عالم معنوی و روحانی آن است.

ب- مشیت خدا در عالم معنوی و روحانی

وقتی مشیت خدا را در عالم معنوی و روحانی مورد مطالعه قرار میدهیم با دو مشکل اساسی روبرو میشویم که شامل: وجود شرارت در جهان و موضوع اراده آزاد انسان هستند.

سوالی که مطرحه اینه که چطور ممکن است خدای قدوس اجازه دهد که شرارتهای اخلاقی انجام شود و چگونه ممکن است خدایی که بر همه چیز حاکمیت مطلق داره اجازه دهد که انسان آزاد باشد؟

برای پاسخ به این سوالات باید چند اصل رو در نظر بگیریم: من در اینجا میخوام به چهار اصل اشاره کنم:

چهار اصل در رابطه مشیت الهی با شرارت

اصل اول - خدا به وجود آورنده گناه نیست

اصل دوم- رهایی انسان از گناه باید تنها توسط خدا فراهم میشد

اصل سوم- انسان برای کارهایی که انجام میدهد باید پاسخگو باشد

اصل چهارم- کارهای خدا براساس اراده مقدس و حکیمانه او قرار دارد

با توجه به اصولی که خدمتتون عرض کردم میخوام در مورد ترتیبی که در مشیت الهی قرار داره به چند نظریه از علمای الهیات مسیحی اشاره کنم.

از آنجائیکه زمان اجازه تحلیل بیشتری در مورد این نظریه ها بما نمیدهد، فقط به مطرح کردن آنها اکتفا میکنیم و در آینده در بخش نجات شناسی بیشتر در این رابطه صحبت خواهیم کرد.

اولین نظریه عنوانش هست:

نظریه نقشه نجات قبل از سقوط انسان

این نظریه بر این اساس استواره که:

۱- قبل از هر چیز خدا تصمیم میگیرد که گروه خاصی را نجات دهد و سایرین را بحال خود رها کند.

۲- سپس هر دو گروه را خلق میکند.

۳- بعد خدا اجازه میدهد که هر دو گروه سقوط کنند.

۴- آنگاه خدا مسیح را برای نجات گروهی که از قبل برگزیده است می فرستد.

۵- و در نهایت خدا، روح القدس را برای انجام طرح نجاتبخش خود به برگزیدگانش عطا میکند.

نظریه دوم به **نقشه نجات بعد از سقوط انسان** معروف است در این نظریه ترتیب مشیت الهی بر این منوال قرار دارد:

۱- ابتدا خدا انسان را خلق میکند

۲- بعد اجازه میدهد که انسان سقوط کند

۳- سپس گروهی از افراد سقوط کرده را برای نجات انتخاب و بقیه را رها میکند.

۴- آنگاه خدا مسیح را برای گروهی که از قبل برگزیده است می فرستد

۵- و در نهایت روح القدس را برای انجام طرح نجاتبخش خود به برگزیدگانش عطا میکند.

علاوه بر این دو نظریه که مطرح شد، یک نظریه دیگر هم هست که معتقدند: مشیت الهی این بود که:

۱- ابتدا خدا انسان را خلق کرد

۲- بعد اجازه داد تا انسان سقوط کند

۳- سپس توسط عیسی مسیح نجاتی را که برای تمام مردم کافی باشد مهیا کرد

۴- آنگاه عده ای را برای نجات برگزید و سایرین را به حال خود رها کرد

۵- و در نهایت خدا، روح القدس را برای انجام طرح نجاتبخش خود به برگزیدگانش عطا میکند.

پس از این سه نظریه اجمالاً مطرح شد، لازمه که برای درک بهتر موضوع گناه و نقشه خدا برای نجات گناهکاران به سه نکته اشاره کنم:

اولین نکته عنوانش هست: خدا تصمیم گرفت اجازه دهد که گناه ارتکاب یابد

نکته اول - خدا تصمیم گرفت اجازه دهد که گناه ارتکاب یابد

هر چند خدا به وجود آورنده گناه نیست (یعقوب ۱: ۱۴و۱۳) و اجباری برای انجام آن ایجاد نکرد، اما بر طبق اراده حکیمانه و مقدسش صلاح دانست که اجازه بده تا گناه انجام بشه.

این اجازه الهی در حالی داده شد که خدا میدانست ذات گناه چیست و چه نتایجی برای مخلوقاتش به بار خواهد آورد و همچنین میدونست که برای نجات مردم از آن چه بهای گزافی رو باید پردازد.

خدا میتوانست از وارد شدن گناه در میان مردم جلوگیری کند. او حتی میتوانست از سقوط فرشتگان و انسان جلوگیری کند، که در آن صورت آنها در قدوسیت باقی میماندند. ولی به علل کاملاً حکیمانه و مقدسی که داشت، خدا را پسند آمد، اجازه دهد که گناه صورت بگیره.

این مسئله چون خیلی مهمه یکبار دیگه میخوام روش تاکید کنم که، هر چند خدا انسان یا فرشتگان را مجبور به انجام گناه نکرد، ولی ارتکاب آن را اجازه داد.

با این گفته به نکته دوم از مشیت خدا در عالم معنوی و روحانی میرسیم که عنوانش هست: خدا از گناه برای نیکویی استفاده کرد.

نکته دوم - خدا از گناه برای نیکویی استفاده کرد

این موضوع بخش جدا نشدنی از تصمیم خدا در مورد اجازه ارتکاب گناه است. خدا اجازه داد که گناه ارتکاب یابد، ولی از آن برای خیریت و نیکویی استفاده کرد. برای اثبات این امر میتوان به آیات مختلفی اشاره کرد. بعنوان مثال: پیدایش ۲۰:۵ یوسف به برادران خود چنین گفت: شما درباره من به بد اندیشیدید لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید چنانکه امروز شده است. ما ایرونیها هم در این مورد مثل خوبی داریم که میگوید:

عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد

سراینده مزامیر میفرماید:

مزمور ۱۰:۳۳-۱۱ خداوند تصمیمات قومها را بی اثر می کند و نقشه های قومهای جهان را نقش بر آب می سازد. اما تصمیم خداوند قطعی است و نقشه های او تا ابد پایدار است.

مثالهای دیگری که همیشه از کلام خدا در رابطه با استفاده نیکوی خدا از گناه و شرارت بیاریم مثلاً:

تلاش نبوکدنصر برای نابودی سه جوان عبرانی در تنور ملتهب آتش، باعث شد که خدای عبرانیان در دربار شناخته شود و این سه جوان به مقامات عالی ارتقا پیدا کنند (دانیال ۳:۱۹-۳۰).

در جای دیگر میبینیم که:

پولس اطمینان داشت که زندانی شدن او به نفع وی تمام خواهد شد. زندانی شدن پولس باعث انتشار خبر خوش انجیل به زندانیان، سربازان، کارکنان زندان، درباریان و سایر مردم شد. علاوه بر این، او نمونه خوبی از یک مسیحی شاد و وفادار به خدا در ناملایمات زندگی و شرایط سخت از خود بجا گذاشت. چهار رساله پولس به افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و فلیمون که در زندان نوشته شدند، حاوی مطالب بی نظیری هستند.

فیلیپیان ۱:۱۹-۲۰ زیرا می دانم تا زمانی که شما برایم دعا می کنید و روح القدس نیز مرا یاری می نماید، تمام این امور به نفع من تمام خواهد شد. آرزوی قلبی و امید من اینست که هرگز در انجام وظایف خود، شرمنده و سرافکنده نشوم، بلکه همواره آماده باشم تا در تمام سختیها با کمال دلیری درباره مسیح سخن بگویم، همانطور که در گذشته نیز چنین کرده ام؛ تا بدینوسیله، چه زنده باشم و چه بمیرم، باعث سربلندی مسیح گردم.

از این آیات میتونیم نتیجه بگیریم، اگرچه خدا انسان را به حال خودش رها میکنه و اجازه میده که گناه و شرارت صورت بگیره اما در نهایت، خدا بالاتر از گناه عمل میکند تا نتایج نیکو حاصل شود.

نکته سوم از بحث مشیت خدا در عالم معنوی و روحانی اینه که خدا تصمیم گرفت که انسان رو از گناه نجات بده.

نکته سوم - خدا تصمیم گرفت که انسان را از گناه نجات دهد

همه مسیحیان بر این باورند که خدا از قبل تصمیم داشت که انسان را نجات دهد، ولی در مورد راه نجات، توافق نظر ندارند. در هر حال نباید چند اصل و قاعده رو در این مورد فراموش کرد: من در اینجا به چهار اصل در این رابطه اشاره میکنم.

چهار اصل در رابطه با نقشه نجاتبخش خدا

اصل اول - خدا باید راه نقشه انسان را فراهم سازد: چون هیچ کس دیگری قادر به این کار نیست.

اصل دوم - با وجودی که انسان قادر به نجات خود از گناه نیست ولی در برابر گناهش مسئول است.

اصل سوم - مشیت خدا بر اساس اراده حکیمانه و مقدس او قرار دارد، و اهداف خود را بدون اجبار و با میل و اراده آزادش انتخاب میکند.

قبل از اینکه بخواهم به اصل چهارم اشاره کنم، لازمه که به یک نکته در رابطه با سه اصلی که صحبت اشاره ای داشته باشم، و اون اینه که مسیحیان انجیلی موضوع پیش برگزیدگی برای نجات را، به یکی از این دو طریق تفسیر میکنند:

گروه اول پیش برگزیدگی را منوط بر اطلاع قبلی یا پیش دانی خدا میدانند،

اما گروه دوم پیش برگزیدگی و پیش دانی را، تا جایی که به ایمان نجات بخش مربوط میشود، از یکدیگر غیرقابل تفکیک می شمارند.

آموزه پیش برگزیدگی، اگر به طرز صحیح درک شود، باعث ایجاد روح تحسین، احترام، فروتنی، تسلیم و پرستش در مسیحیان خواهد شد.

در این رابطه به چند آیه اشاره میکنم:

تثنیه ۴:۳۲ «خداوند محافظ بزرگ توست، کامل و عادل در همه راهها. خداوند شما، با وفا و قابل اعتماد است، او امین و صادق می باشد. (ترجمه مؤده)

رومیان ۳:۱۱ دولت‌مندی خدا چقدر عظیم و حکمت و معرفت او چقدر عمیق است! هدفهای او غیرقابل درک و راههای او غیرقابل فهمند!

حال به اصل چهارم در رابطه با نقشه نجاتبخش خدا میرسیم اون اینه که:

اصل چهارم - خدا تصمیم گرفت مطیعان خود را پاداش و نامطیعان را مجازات کند

خدا بر اثر نیکویی خود نه فقط اراده کرد که برگزیدگان را نجات دهد، بلکه همچنین کسانی که او را خدمت یا اطاعت میکنند پاداش دهد و این تصمیم خدا ناشی از فیض و لطف او می باشد.

ما انسانها گاهی تصور میکنیم که با اعمال نیک و مذهبی میتونیم دینمون رو به خدا ادا کنیم اما عیسی مسیح در این رابطه در لوقا ۱۰:۱۷ فرمود که:

لوقا ۱۰:۱۷ اگر شما به هر چیزی که مامور شده اید عمل کردید بگوئید که غلامان بی منفعت هستیم زیرا که آنچه بر ما واجب بود بجا آوردیم.

بعبارت دیگر انسان موظف است همیشه و در همه چیز از دستورات الهی اطاعت کند و خدا هیچ اجباری ندارد که حتی به فداکارترین و کامل ترین مطیعان خود پاداشی بدهد. اما، با وجود این همانطور که عرض کردم خدا بر مبنای فیض و رحمت خود اراده کرد که به مطیعانش پاداش بدهد.

حال به مورد سوم بخش محتوا و ترتیب مشیت الهی، یعنی خدا در امور اجتماعی و سیاسی می رسیم.

ج- مشیت خدا در امور اجتماعی و سیاسی

در این رابطه به چهار مورد اشاره میکنم که از این قرارند.

۱- مشیت الهی در خانواده و دولت

۲- مشیت الهی در دعوت و رسالت قوم یهود

۳- مشیت الهی در تاسیس و رسالت کلیسا

۴- مشیت الهی در پیروزی نهایی او

پس اول مشیت الهی در خانواده و دولت رو با هم بررسی میکنیم.

۱- مشیت خدا در خانواده و دولت

تشکیل خانواده یکی از مباحث بسیار بنیادی کلام خداست. خداوند پس از اینکه آدم را خلق کرد گفت:

پیدایش ۱۸:۲ خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم.

توجه داشته باشید که از همان ابتدای آفرینش خدا اقدام به خلق یک زن برای آدم کرد. به همین دلیل ما مسیحیان تعدد زوجین رو مخالف اراده خدا میدونیم و معتقدیم که حلقهٔ زوجیت باید تا آخر عمر حفظ شود (متی ۱۹:۳-۹).

کلام خدا بارها در مورد مقدس بودن ازدواج تاکید می کند.

عبرانیان ۴:۱۳ به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته اید وفادار باشید، و پیوند زناشویی تان را از آلودگی دور نگاه دارید، زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتما مجازات خواهد کرد.

مشیت الهی در مورد ازدواج شامل تشکیل خانواده و داشتن فرزندان هست.

پیدایش ۱:۲۷-۲۸ پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. او انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده، فرمود: «بارور و کثیر شوید».

مزمور ۱۲۷:۳ فرزندان هدایایی هستند از جانب خداوند. آنها پاداشی هستند که خداوند به انسان می دهد.

حال با توجه به مشکلات ازدواج، تشکیل خانواده و داشتن فرزندان در دنیای امروز، باید عرض کنم، این وضعیتی است که نتیجهٔ اعمال انسان گناهکار میباشد، در حالیکه خدا در ابتدا در مشیت الهی خود همه چیز را همانطور که در آیات خوانده شد، نیکو و مقدس آفرید.

در مشیت الهی تشکیل دولت با تشکیل خانواده رابطه بسیار نزدیکی دارد. خدا با حکمت الهی خود محل، زمان ها و حدود ملت ها را تعیین کرده است.

تثنیه ۳۲:۸ خدای متعال، زمین را بین قومها تقسیم کرد و مرزهای آنها را تعیین نمود.

اعمال ۲۶:۱۷ او تمام مردم دنیا را از یکنفر بوجود آورد، یعنی از آدم ، و قوم ها را در سرتاسر این زمین پراکنده ساخت ؛ او زمان به قدرت رسیدن و سقوط هر یک از قوم های جهان و مرزهای آنها را از پیش تعیین کرد.

از کلام خدا میفهمیم که خدا فرمانروایان ملل را هم تعیین کرده است.

رومیان ۱:۱۳-۲ مطیع دولت و قوانین آن باشید، زیرا آن را خدا برقرار کرده است . در تمام نقاط جهان ، همه دولتها را خدا بر سر قدرت آورده است. پس هر که از قوانین کشور سرپیچی کند، در واقع از خدا ناطاعتی کرده است ، و البته مجازات خواهد شد.

تمام فرمانروایان باید فرمانروایی عالیه خدا را بپذیرند و در صدد انجام اراده او باشند.

مزمور ۱۰:۲-۱۲ ای پادشاهان، گوش دهید و ای رهبران جهان توجه نمایید! با ترس و احترام خداوند را عبادت کنید؛ پیش از اینکه پسرش خشمگین شود و شما را نابود کند، به پاهایش بیفتید و آنها را بوسه زنید، زیرا خشم او ممکن است هر لحظه افروخته شود. خوشبحال همه کسانی که به او پناه می‌برند.

اگر فرمانروایی از انجام این امر خودداری کند و دستورات او با احکام الهی تضاد داشته باشد، مردم باید احکام الهی را اطاعت کنند نه دستورات انسانی را.

اعمال ۱۹:۴ و ۲۰ اما پطرس و یوحنا جواب دادند: "خودتان بگویید، آیا درست است که بجای حکم خدا، از دستور شما اطاعت کنیم؟ ما نمی توانیم آنچه از عیسی دیده و شنیده ایم به کسی نگوئیم ."

اعمال ۲۸:۵-۲۹ کاهن اعظم به ایشان گفت : "مگر ما به شما نگفتیم که دیگر درباره این عیسی موعظه نکنید؟ اما شما برخلاف دستور ما، تمام شهر اورشلیم را با سخنان خود پر کرده اید و می خواهید خون این مرد را به گردن ما بیندازید!" پطرس و رسولان جواب دادند: "ما دستور خدا را اطاعت می کنیم ، نه دستور انسان را.

مورد دوم از مشیت خدا در امور اجتماعی و سیاسی، دعوت و رسالت قوم یهود هست.

۲- دعوت و رسالت قوم یهود (Pdf۶۰)

خدا ابراهیم را انتخاب کرد تا رئیس قوم خاصی باشد (پیدایش ۱۲:۱-۳).

خدا چنین مقرر کرد که این قوم از طریق اسحق و یعقوب و دوازده فرزند یعقوب به وجود آید (پیدایش ۲۱:۱۷، پیدایش ۲۳:۲۵ و ۲۷:۲۷-۲۹، پیدایش ۴۹).

خدا قوم یهود را برای خود انتخاب کرد تا چون کاهنانی خادم و قومی مقدس باشند.

خروج ۴:۱۹-۶ شما دیدید که من با مصری‌ها چه کردم و چطور مانند عقابی که بچه‌هایش را روی بالها می‌برد، شما را برداشته، پیش خود آوردم. حال اگر مطیع من باشید و عهد مرا نگهدارید، از میان همه اقوام، شما قوم خاص من خواهید بود. هر چند سراسر جهان مال من است، اما شما برای من ملتی مقدس خواهید بود و چون کاهنان، مرا خدمت خواهید کرد.»

این مشیت الهی در مرحله اول برای نجات و رستگاری قوم یهود نبود، بلکه فقط یک امتیاز به حساب می‌آمد، ولی شریعت مقدس و رسوم الهی وسیله ای شد که آنها را به سوی نجات و خدمات مورد قبول خدا هدایت نمود.

بعلاوه قوم یهود وظیفه داشت که باعث برکت روحانی ملل مجاور نیز باشد (پیدایش ۱۲:۲).

ولی این قوم به طرز تاسف باری در انجام این رسالت مهم، قصور ورزید.

قوم یهود با نمایندگان خدا که از آنها دستورات روحانی مطالبه میکردند بدرفتاری نمودند و آنها را کشتند. به همین دلیل خدا برکات ملکوتش را از این قوم گرفته است.

کلام خدا در این رابطه میفرماید:

متی ۴۳:۲۱ (عیسی مسیح میفرماید) . . . خداوند برکات ملکوت خود را از شما (قوم یهود) گرفته، به قومی خواهد داد که از محصول آن سهم خداوند را به او بدهند.

مورد سوم از مشیت خدا در امور اجتماعی و سیاسی تاسیس و رسالت کلیساست.

۳- تاسیس و رسالت کلیسا

خدا از ازل اراده فرمود که کلیسا را تاسیس و بنا کند هر چند این حقیقت قبل از دوره مسیح و رسولانش کاملاً مکشوف نشده بود.

از آنجائیکه مسیح در متی ۱۸:۱۶ میفرماید که کلیسای خود را بنا خواهد کرد، پس معلوم میشود که کلیسا تا آن موقع تشکیل نشده بود.

پولس رسول در افسسیان ۱:۳-۱۳ میگوید که هر چند تاسیس کلیسا در نقشه ازلای خدا وجود داشته ولی ماهیت اصلی آن تا آن موقع روشن نشده بود.

پس میتوان نتیجه گرفت که کلیسا یک یهودیت اصلاح شده نیست، بلکه خلقتی کاملاً جدید هست (متی ۹:۱۴-۱۷).

در افسسیان ۲:۱۱-۱۵ میخوانیم که خدا در کلیسا، از یهودیان و امتهای، یک انسان جدید بوجود آورد.

هدف فعلی خدا این است که بر اساس برگزیدگی از طریق فیض، از میان امت ها و بقیه قوم یهود برای خودش قومی انتخاب کند (اعمال ۱۵:۱۳-۱۸، رومیان ۱۱:۱ و ۳۰:۳۱).

خدا برای انجام هدف مذکور از روح القدس و کلیسا استفاده میکند (متی ۲۸:۱۹ و ۲۰، اعمال ۱:۸).

وقتی این هدف عملی شود، مسیح باز خواهد گشت و قوم خود را نزد خود خواهد برد و کلیسا را نزد خود حاضر خواهد ساخت (یوحنا ۱۴:۳، رومیان ۱۱:۲۵، اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۸، افسسیان ۵:۲۷).

مورد چهارم از مشیت الهی در امور اجتماعی و سیاسی پیروزی نهایی خداست.

۴- پیروزی نهایی خدا

در رابطه با پیروزی نهایی خدا، مشیت الهی بر این قرار گرفته است که تمام حاکمیت جهان، به مسیح سپرده شود. (مکاشفه ۱۱:۱۵-۱۷ و ۱۹:۱۱-۲۰:۶).

وقتی مسیح فرمانروایی جهان را به عهده بگیرد تمام طبیعت، حیات تازه ای خواهد یافت (متی ۱۹:۲۷-۳۰، رومیان ۸:۱۹-۲۲).

فرمانروایی او مظهر صلح و عدالت خواهد بود (اشعیا ۳۵:۱-۱۰).

اولین مرحله پیروزی خدا بر روی کره زمین مدت هزار سال ادامه خواهد یافت (مکاشف ۲۰:۱-۶).

بعد از طغیان نهایی شیطان و بعد از داوری عظیم بر روی تخت بزرگ سفید، آسمان جدید و زمین جدید و اورشلیم جدید به وجود خواهد آمد (مکاشفه بابهای ۲۰ الی ۲۲).

سپس مسیح ملکوت را به خدای پدر خواهد سپرد و تثلیث اقدس، یعنی خدای پدر، عیسی مسیح خداوند و روح القدس، تا ابدالابد فرمانروایی خواهد کرد (اول قرن‌تین ۱۵: ۲۳-۲۸).

تمام این امور با مشیت الهی تعیین شده اند و حتماً به انجام خواهند رسید.

در درس آینده، به مطالعه اولین مبحث از مجموعه جدید کارهای خدا میپردازیم که عنوانش آفرینش میباشد.

